

 10.30497/sj.2023.244155.1234

Bi-quarterly Scientific Journal of "Research Letter of Social Jurisprudence",
Vol. 11, No. 2 (Serial 22), Spring and Summer 2023

Research Paper

The Role of "Fatwa-ye- As.hal" in Selecting "Fatwa-ye- Me'yar" in Legislation

Mohammad Mahdi Shariatinejad*
Asqar Aqa Mahdavi**

Received: 07/03/2023
Accepted: 08/07/2023

Abstract

Article 4 of the Constitution stipulates that all the statutes must conform to Islamic principles as approved by the Guardian Council. The disputable point is which religious decree is to be considered as the standard one when confronting multiple views among *mujtahids* (religious jurists). One theory, not much deliberated on, is that of the *fatwa-ye As.hal* (easy, the decree with fewer complications). This article intends to elaborate on this issue in regard to the *fatwa-ye me'yar* (standard) for the first time. One basic feature of this theory is reliance on simplicity. Here, by adopting a descriptive and analytical method and using library resources the theory has been scrutinized leading to the conclusion that due to a lack of sufficient foundations and comprehensiveness and acceptance among *mujtahids* and inability to solve the difficulties, it has not gained a powerful status as the standard *fatwa*. Meanwhile, in regard to the high and central position of simplicity in Islamic *Sharia*, it can be used for evaluating and identifying the standard *fatwa*.

Keywords

Guardian Council, Standard Fawa, Easy Fatwa, Legislation.

* M.A. Student in Jurisprudence and Fundamentals of law, Faculty of Theology, Islamic Studies and Guidance, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (corresponding author). shariatinejad.77@gmail.com

** Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Faculty of Theology, Islamic Studies and Guidance, Imam Sadeq University, Tehran, Iran. mahdavi@isu.ac.ir



10.30497/sj.2023.244155.1234

دوفصلنامه علمی «پژوهش‌نامه فقه اجتماعی»، سال یازدهم، شماره دوم (پیاپی ۲۲)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۴۳۳-۴۵۸

نقش فتوای اسهل در جایگاه فتوای معیار قانون‌گذاری

محمد مهدی شریعتی نژاد*

اصغر آقا مهدوی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

اصل ۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد که همه قوانین باید بر اساس موازین اسلام باشد و تشخیص آن بر عهده فقهای شورای نگهبان است. آنچه محل بحث واقع شده، فتوای معیار تطبیق قوانین با موازین شرعی با توجه به اختلاف فتاوی مجتهدان است. یکی از نظریات شایان طرح که تاکنون شرح و بسطی برای آن نیامده، نظریه فتوای اسهل است. نویسنده سعی دارد برای نخستین بار آن را در جایگاه فتوای معیار تبیین و نقد و بررسی کند. از جمله مبانی اصلی این نظریه، سهولت و تیسیر است. در این نوشتار که به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است، پس از تبیین و شرح نظریه فتوای اسهل، این نظریه با چندین ضابطه سنجیده و در نتیجه، روشن می‌شود که به علت عدم برخورداری از مبنای کافی در فقه امامیه و عدم بهره کافی از شاخصه‌هایی مانند جامعیت، مقبولیت میان فقها و توانایی کافی در حل مسائل، قوت لازم را از لحاظ قرارگیری به‌عنوان معیار تقنین ندارد، اما باید اذعان داشت که سهولت با توجه به جایگاه و اهمیتی که در بطن شریعت اسلام دارد، می‌تواند به‌عنوان ضابطه‌ای در راستای سنجش و شناسایی فتوای معیار به شمار آید.

واژگان کلیدی

شورای نگهبان؛ فتوای معیار؛ فتوای اسهل؛ قانون‌گذاری.

* دانشجوی کارشناسی ارشد، فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
shariatinejad.77@gmail.com

** دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
mahdavi@isu.ac.ir

مقدمه

وجود قانون و مقررات در جوامع بشری از جمله ضروریاتی است که حیات جامعه بدان وابسته است. انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ ایران، طلیعه تشکیل حکومت اسلامی بوده است که طبیعتاً تدوین قوانینی را مطابق با شریعت اسلام ایجاب می‌کند. فراتر از تصویب قوانین از سوی مجلس، نظارت بر آن در راستای تطبیق با موازین شریعت دارای اهمیت خاص است. اصل ۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد که «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است».

مطابق آنچه در جریان مذاکرات قانون اساسی آمده است، در راستای تحقق تطبیق قوانین مصوبه با شریعت اسلام، چند پیشنهاد از جمله نظارت فقیه اعلم، شورای فقها، شورای رهبری و... بر فرایند قانون‌گذاری مطرح شد و نمایندگان وقت تعدادی از آن‌ها را رد کردند تا اینکه نظریه تشکیل شورای نگهبان به تصویب رسید (اداره کل امور فرهنگی روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، صص. ۳۵۰-۳۴۷).

حال پرسش اصلی که از فرایند تطبیق قوانین با موازین شریعت اسلام درباره شورای نگهبان مطرح می‌شود، این است که با توجه به اختلاف نظر مجتهدان و مراجع تقلید شیعه در احکام و فتاوی، کدام نظر را باید ملاک قانون‌گذاری دانست؟ این پرسش آغازکننده بحث پرچالش فقهی با عنوان «فتوای معیار قانون‌گذاری» است. برای پاسخ به این پرسش، نظریات متفاوتی شایان طرح است که از جمله آن‌ها می‌توان به هشت احتمال اشاره داشت. ۱. فتوای ولی فقیه، ۲. فتوای مشهور فقها، ۳. فتوای فقیه اعلم، ۴. فتوای اسهل، ۵. فتوای احوط، ۶. فتوای هر یک از فقهای شیعه، ۷. فتوای بیشتر فقهای شورای نگهبان و ۸- کارآمدترین فتوا (ارسطا، ۱۳۹۵) که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است.

فتوای ولی فقیه: این نظریه بیان می‌دارد که معیار در قانون‌گذاری، فتوای ولی فقیه جامعه است و شورای نگهبان باید قوانین مصوب را با فتاوی ولی فقیه تطبیق دهد که دلیل آن، تمسک به اطلاق ادله ولایت فقیه مانند مقبوله عمر بن حنظله است (طوسی،

۱۴۰۷ق، ص. ۲۱۸).

فتوای مشهور فقها: بدین معنا که شورای نگهبان فتوای بیشتر فقها را ملاک خود در رد یا تأیید قوانین قرار دهد. دلایل اقامه‌شده بر این نظریه الف. تمسک به دلیل شهرت بما هی شهرت، ب. ظهور مقبوله عمر بن حنظله ج. استدلال به فرمایش میرزای نایینی مبنی بر اینکه اکثریت عندالدوران از اقوی مرجحات نوعیه است و د. تمسک به وسعت شعاع مشهور است (جهاندوست دالنجان، ۱۳۹۴، ص. ۲۲)

فتوای فقیه اعلم: طبق این نظریه فتوای ملاک شورای نگهبان، فتوای فقیه اعلم زمانه است که مبنای آن سیره عقلاست. در واقع بدین صورت است که عقلا در مسائل تخصصی رجوع به دانشمندان دارند و در صورت اختلاف نظر عالمان، به سراغ نظر اعلم آن‌ها می‌روند (سماواتی و موسوی بجنوردی، ۱۳۹۹، ص. ۵۶)

فتوای کارآمد: فتوایی که دارای سه ضابطه باشد. الف. در تأمین مصالح و دفع مفسدات و حل مشکلات فردی و اجتماعی از دیگر فتوای قدرتمندتر باشد. ب. داشتن انسجام و هماهنگی بیشتر با فتوای‌ای که مبنای تدوین دیگر قوانین قرار باشند و ج. تا حد امکان طرف‌داران بیشتری میان فقها داشته باشد (ارسطا، ۱۳۹۸).

در میان نظریات مطرح‌شده فتوای معیار قانون‌گذاری، آنچه تاکنون تحلیل و تبیینی درباره‌اش صورت نگرفته، نظریه فتوای اسهل است. این مقاله درصدد است برای نخستین‌بار به تحلیل و بررسی ابعاد مختلف این نظریه بپردازد. نویسنده در این مقاله سعی دارد که به روش توصیفی-تحلیلی ابتدا مبانی نظریه فتوای اسهل را تبیین و مبدأ شکل‌گیری آن را ریشه‌یابی کند و در مرحله بعد، نظریه نام‌برده را در قامت فتوای معیار قانون‌گذاری مورد نقد و بررسی قرار دهد.

۱. پیشینه پژوهش

در تبیین و بررسی تعدادی از نظریات فتوای معیار، صاحب‌نظران این عرصه آثاری به نگارش درآورده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها به این قرار است. «فتوای معیار در قانون‌گذاری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران (نگاهی دوباره به مفهوم اعلمیت در منظومه فقه حکومتی شیعه)» (حاج‌زاده، ۱۳۹۴)، «فتوای معیار در قانون‌گذاری (ارسطا، ۱۳۹۸)، فتوای معیار در قانون‌گذاری (علی‌اکبریان، ۱۳۹۲)، «امکان‌سنجی فقهی قانون‌گذاری بر

مبنای فتوای مشهور» (جهاندوست دالنجان، ۱۳۹۴)، «فتوای معیار در قانون‌گذاری؛ انطباق با مصالح الزامی» (جهانگیری و بنایی خیرآبادی، ۱۴۰۰) و «چالش‌های تعیین فتوای معیار در قانون‌گذاری با توجه به آرای امام‌خمينی^(ره)» (سماواتی و موسوی بجنوردی، ۱۳۹۹). پژوهش‌های نام‌برده هریک در راستای تبیین نظریه‌ای از جمله نظریات فتوای معیار نگارش یافته‌اند و سعی دارند پس از شرح مبنا، به تأیید یا رد آن پردازند.

همچنین از جمله مرجع‌هایی که به مستندات قاعده تسهیل که خود مبنایی برای فتوای اسهل به شمار می‌آید، می‌توان به آثاری مانند «قاعده تسهیل و نقش آن در استنباط احکام حج» (عندلیبی، ۱۳۹۶)، تعیین حدود مرز قاعده تساهل و تسامح در فقه اسلامی (اسداللهی، ۱۳۸۲) و سمحه و سهله بودن شریعت و نقش آن در استنباط احکام فقهی و حقوقی (گل‌افشانی، ۱۳۹۴) اشاره داشت.

در این پژوهش‌ها، نویسندگان به اثبات قاعده تسهیل به‌عنوان اصلی مهم و کلیدی در استنباط احکام پرداخته‌اند.

این مقاله درصدد است تا یکی از نظریات فتوای معیار قانون‌گذاری را که تا به حال شرح و نقدی درباره آن نیامده است، با عنوان فتوای اسهل مورد تبیین و بررسی قرار دهد و آن را در قامت فتوای معیار قانون‌گذاری بسنجد تا درنهایت، مشخص شود که آیا این مبنا می‌تواند به‌عنوان فتوای معیار قانون‌گذاری در جامعه اسلامی حاکم شود یا خیر؟

۲. نظریه اختیار به ایسر

با بررسی نظریه فتوای اسهل و مطالعه تطبیقی آن با فقه عامه می‌توان اذعان داشت که این نظریه از حیث ساختار و ماهیت بسیار مشابه نظریه «اختیار ایسر در تقنین» است. لازم است پیش از پرداختن به نظریه فتوای اسهل در تقنین به تعریف و شرح تلفیق و تتبع رخص که بیشتر در میان فقهای متأخر اهل سنت مورد بحث و نظر بوده است پرداخته شود؛ زیرا درحقیقت، این دو مفهوم پایه و مبنای شکل‌گیری این نظریه‌اند.

۲-۱. تلفیق

تلفیق آن است که شخص از میان آرای مجتهدان یا مذاهب فقهی درباره مسئله‌ای به رأی‌ای قائل شود یا به‌گونه‌ای عمل کند که مطابق نظر هیچ‌کدام از مجتهدان یا مذاهب، صحیح نباشد (سماواتی و موسوی بجنوردی، ۱۳۹۹، ص. ۵۴) بدین ترتیب، تلفیق اتیان به کیفیتی است که هیچ مجتهدی به آن قائل نباشد (حفناوی، ۱۴۱۵ق، ص. ۲۶۲) عده‌ای نیز تلفیق را همان تتبع رخص و عمل به آن از سر هوی و هوس تعریف می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ص. ۶۱).

۲-۲. تتبع رخص

تتبع رخص در فقه اهل سنت بدین معناست که مکلف از میان مسائلی که در مذاهب گوناگون رخ می‌دهد، رأی آسان‌تر را برگزیند (سبکی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص. ۳۵۳) برخی دیگر آن را انتخاب حکم آسان‌تر از هر مذهب بدون توجه به دلیل تعریف کرده‌اند (جلالی‌زاده، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۴).

۲-۳. تلفیق و تتبع رخص از دیدگاه فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت در مسئله تتبع رخص دارای اختلاف نظرهایی با مواضعی برعکس و در مواردی با اختلافات بسیار زیاد با هم هستند.

عده‌ای از فقهای عامه تلفیق را مطلقاً باطل می‌دانند (ابن ملا فروخ، ۱۹۸۸م، ص. ۷۰؛ دسوقی المالکی، بی‌تا، ص. ۲۰) و برخی (ابن حجر الهیتمی، بی‌تا، ج ۷، ص. ۲۴۰؛ ابن عابدین، ۱۹۶۶م، ج ۳، ص. ۵۰۸) ادعا بر اجماع در منع از تلفیق دارند. دسته‌ای دیگر از علمای اهل سنت برخلاف دسته نخست، حکم به جواز مطلق تلفیق داده (ابن همام الحنفی، ۱۹۷۰م، ج ۷، ص. ۲۵۸؛ زرکشی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص. ۳۲) و برخی دیگر از علما با شروط خاصی تلفیق را به صورت محدود پذیرفته‌اند مانند ابن حمزه سغدی (ابن ملا فروخ، ۱۹۸۸ق، ص. ۱۲۵)، رحیبانی (رحیبانی، ۱۹۹۴م، ص. ۳۹۱) و شیخ عبدالرحمان قلهود (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ص. ۱۰۸).

درباره تتبع رخص نیز باید اذعان داشت که از نظر بسیاری از فقهای اهل سنت مثل احمد بن حنبل و ابن صلاح شهرزوری (شهرزوری، ۱۴۰۷ق، صص. ۱۶۳-۱۶۲) باطل

است؛ به طوری که ابن حزم که از فقهای مشهور عامه، ادعای اجماع بر فسق کسانی که تتبع رخص را جایز بدانند، دارند (شاطبی، ۱۹۹۷م، ج ۵، ص ۸۲). در مجموع، با بررسی‌های صورت گرفته در موضوع تلفیق و تتبع رخص مشخص می‌شود که این مسئله دارای اختلافات بسیار زیاد با موضع گیری‌های برعکس در فقه اهل سنت است. تتبع رخص از جانب عده‌ای از علمای اهل سنت جایز شمرده شده است، اما در میان بسیاری از علمای عامه مذموم است؛ به گونه‌ای که شخصی مانند ابن حزم ادعای اجماع بر فسق جایز شمارندگان آن دارد.

حاصل بحث‌های شکل گرفته در تلفیق و تتبع رخص، زمینه‌ای برای پیدایش نظریه‌ای به نام اختیار ایسر را در تقنین حکومت اسلامی از منظر فقه اهل سنت فراهم آورد و در واقع، از جمله نظریاتی است که با هدف حل مشکلات و پاسخ به نیازهای روز جامعه اهل سنت از طریق قانون گذاری بر مبنای فتوای آسان تر مطرح می‌شود. آنچه آینه تاریخ به ما نشان می‌دهد، نخستین بارقه‌های استفاده از این نظریه در حکومت عثمانی با پیدایش نیازها و مسائل جدید بود (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۱۶).

ایده پردازان این نظریه، تلفیق در قوانین جامعه اسلامی را به دو دلیل جایز می‌شمردند. ۱. حاکم «اولوالامر» است و در برابر ملت و مصالح جامعه مسئول و از نظر شرعی می‌تواند بر اساس مصلحت جامعه و افراد، یک نظر فقهی را انتخاب کند. ۲. تلفیق در این موارد مانند تلفیق در معاملات است که مبتنی بر صلاح و سعادت مردم و تلفیق در آن ممکن است (خویی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۸۳۶).

قائلان نظریه اختیار به ایسر در تقنین با هدف وضع قوانین کنترل شده در جامعه اسلامی اهل سنت، تلفیق را به صورت مطلق قبول نکرده و در واقع، پنج ضابطه یا شرط مهم و اساسی را برای قانون گذاری بر فتوای آسان تر در نظر گرفته‌اند که می‌توان قدر جامع تمام ضوابط را در دو ضابطه خلاصه کرد.

۱. اجتهادی بودن مسئله و نبودن دلیل راجح برای آن.

۲. وجود ضرورت، نیاز، مصلحت یا عذری در آن مورد (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۳۱).

با بررسی اجمالی روشن می‌شود که نظریه فتوای اسهل نمونه مشابهی به نام نظریه اختیار ایسر در قانون گذاری اهل سنت دارد که تحت مبحثی به نام تلفیق و تتبع رخص قرار می‌گیرد. همان طور که روشن شد، مسئله تلفیق از جمله مباحث اختلافی در فقه

اهل سنت است که عده‌ای از علما آن را مطلقاً نمی‌پذیرند و ادعای اجماع بر آن دارند که به طریق اولی تتبع رخص را نیز نخواهند پذیرفت. آنچه با بررسی نظریه اختیار ایسر در تقنین به دست می‌آید، این است که این نظریه همان تتبع رخص، اما ضابطه‌مند شده است که خود از توابع مبحث تلفیقی شمرده می‌شود.

از جمله اشکالاتی که علمای عامه به بحث تلفیق می‌آورند می‌توان به اجماع، سد ذریعه، استدلال به نبود تلفیق در دوران صدر اسلام و زمان ائمه مذاهب، منجر شدن به احداث قول ثالث، منجر شدن به تتبع رخص و نبود دلیل شرعی بر جواز تلفیق اشاره داشت (سلیمی‌پور، ضیایی و مریوانی، ۱۳۹۹، صص. ۶۱-۵۷).

با آنچه تاکنون گفته شد، روشن می‌شود که تتبع رخص در واقعیت به دنبال راه فرار از احکام است که به مخاطب این اختیار را می‌دهد تا چنانچه در هر مورد از احکام فقهی که با مشکلی مواجه شد، در میان فتاوی موجود، آن فتوایی را انتخاب کند که راه فرار از آن مشکل را فراهم سازد. در واقع، با این نگاه سعی دارند دین را محدودکننده و دست‌وپاگیر فرض کنند و با نگاه عاریتی به دین، از الزامات آن شانه خالی کنند و در پی راه فرار باشند. روشن است که این نگاه با نظام دین‌محور مطابقت ندارد.

۳. نظریه فتوای اسهل

انسان دارای فطرتی آسان‌پذیر است و تشریح نیز از جانب خداوند متعال بر محور فطرت صورت می‌گیرد. احکام و قوانین جامعه باید مطابق و متناسب با فطرت انسان باشد و چنانچه جامعه قانون را محدودکننده و دشمن خود ببیند، برایش مشقت‌بار است و پس از مدتی موجب نارضایتی عمومی و پس زدن قانون می‌شود و درنهایت، تمام این‌ها منجر به اختلال در نظام اجتماعی کشور می‌شود که خود به‌گونه‌ای نقض غرض به شمار می‌آید؛ زیرا هدف از قانون‌گذاری، حاکم کردن نظم و ایجاد سیستمی فعال و درعین حال، ضابطه‌مند برای رسیدن جامعه به هدف مورد نظر است. با تکیه بر این مفروضات، ما می‌توانیم به حکمت‌های قانون‌گذاری بر مدار تسهیل پی ببریم.

همانا خداوند تبارک و تعالی که تنها قانون‌گذار عالم هستی است، شایسته و کامل‌ترین راه ممکن را برای قانون‌گذاری انتخاب می‌کند که هم مطابق فطرت انسان و هم تضمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی اوست. سهله و سمحه بودن شریعت از جمله

قواعد قطعی، پذیرفته شده و روح شریعت اسلام و فقه امامیه است که در قرآن کریم، احادیث و در کلام فقهای امامیه به آن اشاره شده است و بروز و ظهور آن را در موضوعات متعدد و برخی قواعد فقهی می توان مشاهده کرد که شرح آن خواهد آمد.

نظریه فتوای اسهل بیان می دارد که طبق اصل ۴ قانون اساسی، شایسته است شورای نگهبان در تصمیمات خود فتوای اسهل را به عنوان فتوای معیار قانون گذاری اخذ کند. بدین ترتیب، شورای نگهبان باید در هر موضوع از میان فتاوی موجود، ضمن لحاظ شاخصه هایی مانند مصالح جامعه، ضرورت ها و نیازهای روز، آسان ترین فتوای موجود با عنوان فتوای اسهل را ملاک قانون گذاری قرار دهد. طبیعتاً انتخاب فتوای آسان تر برای جامعه، در راستای مصلحت اجتماعی و نیل به اهداف زندگی اجتماعی بشر و ایجاد ساختار منظم است که معنا بخش قانون گذاری در جوامع است.

باید توجه داشت که صدور فتوای مستند به قاعده تسهیل نیازمند شناسایی معیار سهولت از دیدگاه شارع مقدس است تا فقیه در فرایند استنباطی خود بتواند بر اساس آن حکم صادر کند. آنچه در این مجال باید بدان توجه شود، این است که معیار سهولت در ابواب مختلف فقهی با هم تفاوت دارد و باید در هر باب با توجه به مدارک و ادله احکام به کشف معیارهای مورد توجه شارع در تسهیل ادای تکلیف در آن باب پرداخته شود. برای مثال، این گونه به نظر می رسد که معیار تسهیل در نماز عدم تکرار و اعاده و تصحیح نماز صورت گرفته توسط مکلف است مادامی که حداقل شرایط صحت را داشته باشد. همچنین، تسهیل در باب جهاد، جایز بودن عقب نشینی در صورتی است که به عنوان روش نظامی برای تهاجم یا پیوستن به گروهی برای کمک گرفتن از آنها برای ادامه مبارزه باشد (عندلیبی، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۱)

همان طور که گفته شد، در قانون گذاری سهولت باید در کنار مصلحت اندیشی به کار رود و از این بابت به هیچ وجه نمی توان آن را با سهل انگاری یکی پنداشت. پس سهولت در قانون گذاری به معنای تدوین قوانین سهل انگارانه نیست؛ زیرا در بسیاری از مواقع حاکمیت نیازمند جدیت و شدت در مواضع مربوط به خود است و دریغ از آن، دامن زدن به بی ثباتی و تضییع حق الناس است. برای مثال، کوتاهی و سماحت در مسائل امنیتی موجب ضرر روزیان در عرصه همگانی و کلان می شود یا اینکه سهولت در اخذ حق الناس به گونه ای ظلم به مردمان است که شایسته نیست. درباره حقوق اجتماعی و برقراری

عدالت نیز همین‌گونه است؛ زیرا از جمله واجبات نظام است و جدیت در آن باعث برقراری عدالت می‌شود که خود اصلی مهم و اساسی است. در مجموع، باید اذعان داشت که منظور از لحاظ سهولت در قوانین، قرارگیری سهولت توأم با مصلحت‌اندیشی است که این خود به‌مثابه ملاکی برای اعمال آن در حوزه‌های مختلف است.

به‌هرحال، سهولت به‌عنوان اصلی مهم و کلیدی در نظریه فتوای اسهل مطرح است که لازمه اثبات این نظریه، ترجیح داشتن سهولت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های صدور حکم از نظر فقه امامیه است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

۳-۱. مبانی و مؤیدات ترجیح سهولت

۳-۱-۱. قاعده تسهیل

از جمله عناصر مهم اثبات و شکل‌گیری نظریه فتوای اسهل به‌عنوان فتوای معیار قانون‌گذاری، قاعده سهولت یا تیسیر است که صاحب‌نظران و فقیهان با اصطلاح شریعت سهله و سمحه از آن یاد می‌کنند. تیسیر یا اصل سهولت در دین از جمله قواعد فراگیر و کاربردی در استنباط فقهی است که در عرصه‌های مختلف تاریخ فقه شیعه و اهل سنت مبنای بسیاری از نظریات و فتاوی فقهی علما بوده است و همچنان نیز بدان استدلال می‌شود.

از جمله اصول و قواعد جاری در اسلام، قاعده تیسیر یا اصل سهولت در دین است. این اصل همچون روحی حاکم بر قوانین و احکام اسلامی است. بدین معنا که از ناحیه جعل و تشریح، سهولت در بطن احکام اسلامی لحاظ شده است و در استنباط احکام نیز باید مورد توجه قرار گیرد و اعمال شود. پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه و آله) دین اسلام را شریعت سهله و سمحه نام نهاده‌اند و بعثت و ارسال خویش را نیز بر آن می‌دانند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۴۹۴).

در اینجا باید اشاره داشت که حلقه اتصال قاعده تسهیل با نظریه فتوای اسهل این است که این قاعده از جمله مبانی اثبات نظریه فتوای اسهل قلمداد می‌شود. گفتنی است در این نوشتار، ثابت بودن قاعده‌ای به نام تسهیل با مستندات آیه‌ها، روایات، بنای عقلا و سیره عملی فقها به‌عنوان روحی برای شریعت اسلام مفروض مقاله بوده است و می‌توان اثبات آن را به‌طور تفصیلی در پژوهش‌هایی که در قسمت پیش گفته شده

است، مشاهده کرد که در نهایت، همگی در مقام استنباط توسط فقیه لحاظ خواهد شد (عندلیبی، ۱۳۹۶). با وجود این، در ابتدای بحث از نظریه، اشاره‌ای به معنا و بیان آیات و روایات دال بر سهولت و مؤیدات آن خواهیم داشت.

۳-۱-۲. معنی سهله و سمحه

سهل در لغت به معنای زمین هموار و مسطح (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص. ۲۶۹)، نرمی و قلت خشونت (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص. ۳۹۴) و آسان و مخالف سختی است (بستانی، ۱۳۷۵، ص. ۵۰۳؛ حموی، ۱۹۹۵م، ج ۳، ص. ۲۹۰).
 سمح نیز جمع سماح به معنای بسیار بخشنده است (بستانی، ۱۳۷۵، ص. ۴۹۸). زمانی که این واژه برای شریعت صفت واقع می‌شود، به معنای آسان بودن (معلوف، ۲۰۰۰م، ص. ۶۹۷) و نبود ضیق و حرج (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص. ۳۷۴) و در واقع، هم‌وزن و هم‌معنای سهل است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص. ۲۸۸).

۳-۲. تفاوت تسهیل با قاعده نفی عسر و حرج

یکی از مواردی که در این مقال باید مورد توجه قرار گیرد و از تصور به آن جلوگیری شود، یکسان دانستن قاعده تسهیل با قاعده نفی عسر و حرج است که برای تبیین بیشتر این مورد، ابتدا به تعریفی از قاعده عسر و حرج می‌پردازیم و تفاوت آن را با تسهیل بیان می‌کنیم.

عسر در لغت به معنای ضیق شدت و سختی (اسماعیل صینی، ۱۴۱۴ق، ص. ۷۹) و مقابل یسر (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۳، ص. ۲۳۵) و حرج در لغت، فشار و زور معنوی ناشی از رنج و تکلف و تحمل مشقت است (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص. ۴۷) یا اینکه عسر اعم از حرج است، در واقع عسر، هر موضوع مشکل و سختی است و حرج، سختی و مشکل شدید است (نراقی، ۱۳۷۵، ص. ۱۸۴). برخی نیز حرج را به معنی تنگ‌ترین تنگنا و «اضیق الضیق» دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص. ۵۶۰).

قاعده نفی عسر و حرج از قواعدی است که در استنباط‌های فقهی کاربرد ویژه‌ای دارد و بدین معناست که چنانچه تکلیفی دارای درجه بالایی از مشقت باشد که عادتاً تحمل آن دشوار شود، آن تکلیف ساقط می‌شود.

تسهیل و نفی عسر و حرج چند تفاوت عمده با یکدیگر دارند که بدان اشاره می‌شود.

۱. قاعده نفی عسر و حرج رفع‌کننده احکامی مکشوف است. به این معنی که چنانچه حکم اولی برای مکلف موجب حرج شود، طبق این قاعده رفع می‌شود، اما تسهیل مثبت، آسان‌ترین تکلیف بر اساس معیارهای معتبر شارع در سهولت برای کشف حکم شرعی است. به بیان دیگر، در باب عسر و حرج معتقدیم اگر حکمی موجب عسر و حرج شود، آن حکم برداشته می‌شود. اما در تسهیل می‌گوییم که اساساً تمام احکام شریعت بر مبنای یسر و سهولت وضع شده است.

۲. قاعده تسهیل در فرایند استنباط دوم و تعارض بین ادله، به‌عنوان سنجه مورد استناد فقها قرار می‌گیرد، اما نفی عسر و حرج چنین کارایی‌ای ندارد.

۳. قاعده نفی عسر و حرج مخصص ادله احکام اولیه است، اما قاعده تسهیل در صورت جریان، حاکم بر این ادله است (عندلیبی، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۳).

۳-۳. آیات و روایات تسهیل

شایسته است در مسیر پرداختن به نظریه فتوای اسهل، نگاهی به آیات و روایاتی که بر تسهیل اشاره دارند، داشته باشیم.

۳-۳-۱. آیات

الف. «... یُریدُ اللهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُریدُ بِكُمُ الْعُسْرَ...» (بقره/۱۸۵)؛ ... خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و نه دشواری را...».

بسیاری از فقها و مفسران از این آیه، سهولت در احکام دین را برداشت کرده‌اند (قرائتی، ۱۳۸۸، ص. ۲۸۷؛ اداره کل امور فرهنگی روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ص. ۱۰۴؛ طیب، ۱۳۶۹، ج ۴، ص. ۳۳۶؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ص. ۲۸۵) و برخی دلالت آن را در حوزه سهولت احکام روزه تفسیر کرده‌اند (کاشانی، ۱۴۲۳ق، ص. ۳۰۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ص. ۳۳۷).

ب. «یریدُ اللهُ أَنْ یخففَ عنکم و خُلِقَ الإنسانُ ضعیفاً» (نساء/۲۸)؛ خداوند می‌خواهد بر شما

آسان گرداند؛ زیرا انسان ناتوان و ضعیف آفریده شده است».

در این آیه ضعیف بودن انسان به عنوان علت سهولت و تخفیف درباره ازدواج با زن‌ها و کنیزان است. باید گفت مفاد این آیه دارای جنبه‌ای عمومی و کلی است؛ یعنی تخفیف ناشی از ضعف انسان شامل دیگر احکام نیز می‌شود. به بیان دیگر، ناتوان و ضعیف بودن انسان علت اراده خداوند به تشریح مبتنی بر تخفیف برای اوست. آنچه از تفاسیر برمی‌آید، اشاره به همین نکته است (طیب، ۱۳۶۹، ج ۴، ص. ۶۰؛ کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص. ۴۹؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص. ۵۸).

ج. «... ما یریدُ اللهُ لِیَجْعَلَ عَلَیْکُمْ مِنْ حَرَجٍ ... (مائده/۶)؛ خداوند نمی‌خواهد بر شما سختی و حرج قرار دهد».

این آیه مبارکه که مثبت قاعده لاجرح و دال بر سهولت در شریعت اسلام است، بیان می‌دارد که در تشریح احکام الهی هیچ حرجی وجود ندارد و اساس تشریح بر پایه سهولت و مادون طاقت انسان است. حرج به معنای ضیق (مجلسی، ۱۴۰۴، ص. ۹۹) و آیه بدین معناست که خداوند نمی‌خواهد بر شما حکمی را جعل کند که شما در تنگنا بیفتید.

برخی مفسران نیز عمومیت دلالت آیه بر رفع حرج و درنهایت، وجود سهولت در دیگر احکام اسلامی را تصریح داشته‌اند و معتقدند که وجود سختی در تعداد محدودی از احکام الهی مثل جهاد به علت خیر و مصلحت والای نهفته در آن است (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳، ص. ۲۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص. ۲۹۵).

هـ. لَا یُکَلِّفُ اللهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا... (بقره/۲۸۶)؛ خداوند هیچ‌کس را مگر به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند».

وسع به معنی طاقت و توانایی (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص. ۲۱۷) و در واقع، طاقت انسان مانند ظرفی در نظر گرفته شده است که بیشتر از گنجایشش محتوا نمی‌پذیرد. خداوند نیز هیچ‌کس را تکلیف نمی‌کند مگر به اندازه طاقت و توانایی‌اش و احکام مشقت‌بار را بر انسان تکلیف نمی‌کند؛ همان‌طور که دین اسلام به اصطلاح شریعت سهله و سمحه است.

۳-۲. روایات

الف. حدیث داستان عثمان بن مظعون

«... يَا عُمَانُ لَمْ يُرْسَلَنِي اللَّهُ بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَ لَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص. ۱۰۶).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به عثمان بن مظعون که دنیا را رها کرده، خودش را در تنگنا قرار داده و دائم مشغول عبادت بود، فرمودند «ای عثمان! خداوند مرا برای رهبانیت (زهدگرایی و ترک دنیا) نفرستاد، بلکه مرا به دین آسان و سازگار فرستاد». از متن این روایت مشخص است پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دین اسلام را دینی سهله و سمحه یعنی آسان و سازگار معرفی می کنند.

ب. حدیث رفع

«رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةُ الْخَطَا وَالنِّسْيَانُ وَ مَا أَكْرَهُوا عَلَيْهِ وَ مَا لَا يَعْلَمُونَ وَ مَا لَا يُطِيقُونَ ...» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص. ۶۱۷).

حررین عبدالله از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند «از امت من نه چیز برداشته شده است؛ خطا، فراموشی، آنچه به آن مجبور شوند، آنچه نمی دانند، آنچه توانایی آن را ندارند و...».

در حدیث رفع نه شیء برداشته شده از جانب شارع، گواه و نشانه ای از سمحه و سهله بودن دین اسلام است و بدین ترتیب، از جمله مؤیدات قاعده سهولت است. در واقع، به گونه ای در شبهات تحریمیه و موضوعیه انسان را با شمه ای از سهولت مواجه می کند.

ج. حدیث اسماعیل جعفی

«سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنِ الدِّينِ الَّذِي لَا يَسْعُ الْعِبَادَ جَهْلُهُ فَقَالَ الدِّينُ وَاسِعٌ وَ لَكِنَّ الْخَوَارِجَ ضَيَّقُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۴۰۵).

در این روایت که از اسماعیل جعفی نقل شده، آمده است «از امام باقر (علیه السلام) پرسیدم از آن دینی که بر بندگان روا نیست نسبت به آن جاهل باشند (که بدانند آن چه دینی است)؟ امام فرمودند: دین وسیع است، ولی خوارج از روی نادانی خودشان بر خود تنگ گرفتند».

تعدادی دیگر از روایات، مستقیم به تیسیر و سهولت اشاره نکرده‌اند، اما از نظر مضمون به آن اشاره دارند.

الف. «فان الامام لان یخطی فی العفو خیر من ان یخطی فی العقوبة؛ تا آنجا که می‌توانید مجازات‌ها را از مسلمانان بازدارید؛ زیرا اگر پیشوایی در بخشش خطا کند، بهتر از این است که در مجازات خطا کند (ابن ابی‌جمهور، بی‌تا، ج ۲، ص. ۳۹۴).
ب. «فَاعْظِمِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۴۲۸).

امیرالمؤمنین در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید «از عفو و بخشایش خویش نصیبشان ده، همان‌گونه که دوست داری خداوند از عفو و بخشایش خود تو را نصیب دهد؛ زیرا تو برتر از آن‌ها هستی». در اینجا عفو مصداق یسر است.

ج. «النَّدَامَةُ عَلَى الْعَفْوِ أَفْضَلُ وَ أَيْسَرُ مِنَ النَّدَامَةِ عَلَى الْعُقُوبَةِ» (کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص. ۱۲۸)
امام‌صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید «پشیمانی از گذشت، برتر و آسان‌تر از پشیمانی حاصل از کیفر دادن است». در اینجا عفو مصداق یسر و سهولت است، هرچند کلمه یسر به کار نرفته است، اما دلالت بر یسر و ترجیح جانب آن را دارد (طبرسی، ۱۳۸۵، ص. ۲۲۸).
در سه روایت اخیر، عفو مصداقی برای سهولت است و درحقیقت، به سهولت در عرصه اجرا و عمل اشاره دارد که به‌مثابه نشانه‌ای بر عدم انحصار سهولت به مقام تشریح قلمداد می‌شود.

همانا با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از آیات و روایات، روشن می‌شود که شریعت اسلام مبتنی بر سهولت و یسر است و چنانچه فقیه در استنباط، به دو فتوایی که یکی از آن‌ها آسان‌تر از دیگری باشد، مواجه شود، براین‌اساس که فتوای آسان‌تر با مبنای شریعت سازگارتر است، می‌تواند سهولت را به‌مثابه وجهی برای ترجیح بر فتوای دیگر در نظر بگیرد. همان‌طور که فقهای عظامی مانند میرزای قمی و محقق بهبهانی در بررسی روایات متعارض، سهولت را به‌عنوان مرجح می‌شمارند (میرزای قمی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص. ۱۶۴؛ بهبهانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص. ۲۷۲).

۳-۳-۳. جریان سهولت در موضوعات و قواعد مختلف فقهی

باید اذعان داشت سهولت روحی حاکم بر شریعت و احکام اسلامی است که به‌طور

خاص در فقه اسلامی بروز آن را در موضوعات متعددی مانند قواعد لاجرح، لاضرر، درء، ید، میسور، تسامح در ادله سنن، حدیث رفع، باب طهارت، باب صلات و موضوع تیمم، جهل و نسیان، اکراه، اصالة البرائة، اصالة الحلیه، اصالة الطهارة، اصالة الصّحة، سوق مسلمین و... می‌توان مشاهده کرد. همگی این موارد مؤیدی بر سماحت و سهولت مقررات اسلامی در مقام تشریح و عمل است. در واقع، این شیوه از جعل احکام توسط شارع، نشان‌دهنده اهمیت لحاظ و اعمال سهولت به‌عنوان اصل اساسی و مهم در قانون‌گذاری است.

۳-۴. ترجیح سهولت در حجیت اماره

از جمله مواضع اصولی که می‌توان در آن به ترجیح سهولت در صدور حکم اشاره داشت، مبحث حجیت امارات در فرض انفتاح باب علم است. این مبحث در کلام و آثار فقهای امامیه بارها آمده است. برای مثال، مرحوم علامه مظفر ضمن اشاره به اینکه مصلحت تسهیل از جمله مسلمات و بنای شریعت اسلام است، حجیت سهولت را در فرض انفتاح باب علم بیان می‌دارند (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص. ۴۲). آیت‌الله خویی نیز در همین مسئله ضمن اشاره به شریعت سهله و سمحه و تأیید حجیت اماره بیان می‌دارند اگر تصور شود که شارع مصلحت تسهیل را بر مصلحت احکام واقعیه از دست‌رفته هنگام مخالفت اماره با واقع مقدم کند، نمی‌توان برای آن قبحی متصور شد. این مورد نیز مؤیدی دیگر بر ترجیح سهولت است.

امروزه پیشرفت جامعه بشری، گسترش فناوری، ارتباطات وسیع و پیدایش علوم جدید، سبک زندگی انسان را تغییر داده و موجب پیچیده شدن حیات، پیدایش نیازهای جدید و بیش‌ازپیش، خلأهای قانونی شده است که نیاز به تبیین قوانین تازه و متناسب را بیشتر و بیشتر می‌کند. واقع‌بینی، مصلحت‌اندیشی و سهولت از جمله شاخص‌های اصلی فتوای اسهل به‌عنوان فتوای معیار است که با انتخاب قوانین سهل و تأثیرگذار، دستاوردهایی از جمله رفع خلأها و نواقص موجود، پاسخ به نیازهای مستحدثه جامعه، تضمین ادامه حیات و در مواردی، امکان انعطاف و همراهی با قافله تمدنی بشر را دارد. تمام این‌ها نظریه فتوای اسهل را که مستنبط از روح شریعت اسلام است، به‌عنوان نظریه‌ای در فتوای معیار قانون‌گذاری به جامعه اسلامی معرفی می‌کند.

برخی صاحب‌نظران در آثار و پژوهش‌های خود با هدف اثبات قاعده سهولت در اسلام و بررسی جوانب مختلف آن از منظر فقه امامیه، درباره این قاعده اظهار داشته‌اند «سهولت در دین اصل حاکم است و می‌توان از آن در احکام فقهی و حقوقی استفاده کرد و باید به صورت قاعده‌ای کارساز و عملی در بعد اجتماعی و حقوقی مدنظر قرار گیرد. در مقرراتی که برای اصلاح جامعه در نظر گرفته می‌شود، اگر اصل سمحه و سهله در نظر گرفته شود، قوانین بسیار کارساز و عملی خواهد شد. در این صورت افراد جامعه نه تنها قانون را محدودکننده خود نمی‌بینند، بلکه جوانب مثبت این قانون روشن می‌شود. از این رو رغبت عمل به آن افزون خواهد شد» (گل‌افشانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۳).

با مطالبی که تا اینجا آمد، ضمن اشاره به سهولت به عنوان اصلی مهم و فراگیر در فقه امامیه، مواردی با عنوان مبانی و مؤیدات دال بر ترجیح آن در صدور حکم آمد و توضیحات لازم ارائه شد.

طبق نظریه فتوای اسهل، سهولت، قاعده‌ای فراگیر و کلیدی است که دلایل و مؤیداتی بر مرجح بودن آن دلالت دارند و به عنوان فتوای معیار قانون‌گذاری مطرح می‌شود.

۴. نقد و تحلیل نظریه فتوای اسهل

بی‌شک آنچه می‌توان به عنوان اصلی اساسی و قاعده‌ای فراگیر در شریعت اسلام بدان اشاره کرد، سهله و سمحه بودن دین است که مستندات آن همان‌طور که گفته شد، آیات و روایات متعددی است که دلالت آن‌ها، انکار وجود روح سهولت را در شریعت غیرممکن می‌سازد. نظریه فتوای اسهل که بخش عمده‌ای از آن بر پایه این اصل بنا شده، دارای جوانب و نکات زیادی است که یک‌به‌یک به آن خواهیم پرداخت تا در نهایت، ببینیم که این نظریه می‌تواند به عنوان فتوای معیار بر باقی نظریات برتری یابد یا خیر؟ در ادامه، سعی می‌شود ضمن بررسی جوانب نظریه فتوای اسهل، آن را در تراز فتوای معیار بسنجیم تا ببینیم تا چه اندازه می‌تواند توقعات را به عنوان فتوای معیار پاسخ دهد.

۴-۱. نبود مبنای فقهی مناسب از نظر امامیه

مبحث تلفیق و تتبع رخص که بحث آن آمد، اختصاص به فقه اهل سنت دارد و فقهای شیعه نیز برای هیچ‌کدام اعتباری را قائل نیستند تا به واسطه آن بتوان نظریه فتوای اسهل را ثابت کرد. درباره فقه امامیه نیز باید گفت مبحث تبعیض در تقلید که تا اندازه‌ای مشابه تلفیق است، مطرح می‌شود که معنای آن، رجوع به یک مجتهد در مسئله‌ای و رجوع به مجتهدی دیگر در مسئله‌ای دیگر با وجود تساوی در شروط لازمه تقلید است. باید گفت با نظر به شهرت لزوم تقلید از فقیه اعلم در میان اصولیان، تبعیض در تقلید نمی‌تواند به‌عنوان مبنایی برای شکل‌گیری نظریه فتوای اسهل در فتوای معیار قانون‌گذاری مطرح شود و کارکردی مانند نقش مبحث تلفیق در شکل‌گیری نظریه اختیار ایسر در تقنین را داشته باشد.

در نتیجه، باید گفت اولاً، مباحث تلفیق و تتبع رخص از نظر فقهای امامیه اعتباری ندارد و افزون‌براین، در فقه امامیه مبنا و اساسی لازم و کافی که کارکردی مانند تلفیق داشته باشد که بتواند شالوده‌ای برای ساخت نظریه فتوای اسهل به‌عنوان فتوای معیار قانون‌گذاری باشد، وجود ندارد. بنابراین، فتوای اسهل از این نظر توان رقابت با دیگر نظریات را نخواهد داشت.

۴-۲. جامعیت فتوای معیار

یکی از ضوابط فتوای معیار در قانون‌گذاری، جامعیت آن به‌عنوان الگویی در تقنین است؛ به‌گونه‌ای که بتوان بر آن به‌عنوان نمونه و سرمشق برای پاسخ به تمام مسائل جامعه تکیه زد. واضح است که در سهله و سمحه بودن شریعت نمی‌توان تشکیک کرد، اما از سوی دیگر، به محدودیت مرزهای سهولت نیز نمی‌توان بی‌توجه بود.

بی‌شک ابواب و مسائلی در فقه امامیه وجود دارد که سهولت در آنها جایی ندارد. این‌گونه مسائل از درجه اهمیت بالایی برخوردارند و شارع مقدس جدیت را در آنها اولویت می‌داند. از این دسته مسائلی که سهولت و تسامح در آنها راه ندارد، می‌توان به مواردی مانند اجرای حدود الهی، برقراری عدالت، حفظ اصول اساسی اسلام، امنیت ملی، افشای اسرار ملی، تضعیف جبهه حق، بدعت در دین، حفاظت از بیت‌المال، مقابله با ظالمان، محدود کردن آزادی، زیر پا گذاشتن حق‌الناس، وحدت ملی، اضلال، معارضه

با نظام اسلامی، تحریف حق و... اشاره کرد. بی‌شک اتخاذ سیاست سهولت در این موارد و در کل مواردی که جدیت در آن‌ها شرط عمل است، خود می‌تواند برهم‌زننده نظم و نقض غرض از قانون‌گذاری باشد. اکنون پرسش مطرح این است که فتوای اسهل به‌عنوان فتوای معیار قانون‌گذاری، در این‌گونه مسائل که موارد محدودی از آن‌ها گفته شد، چه الگو و معیاری در اختیار قانون‌گذار قرار می‌دهد؟ آیا باز هم معتقد است که باید در این مسائل نیز قانون اسهل حکم‌فرما باشد؟

به نظر می‌رسد نظریه فتوای اسهل در این دسته از مسائل نتواند آن‌طور که شایسته است، راهکار و الگویی مناسب ارائه دهد. جامعیت در پاسخ به مسائل و نیازهای جامعه از جمله ضوابط اولیه فتوای معیار است و در واقعیت تا زمانی که فتوای معیار دیگری بتواند در این زمینه مفیدتر از دیگر فتاوی معیار ایفای نقش کند، بر آن‌ها رجحان دارد. بنابراین، می‌توان گفت فتوای معیار دیگر در ارائه راه‌حل جامع در راستای قانون‌گذاری از نظریه فتوای اسهل کارآمدتر هستند.

۴-۳. شاذ نبودن فتوا

یکی از ضابطه‌های فتوای معیار در قانون‌گذاری این است که شاذ نباشد. مقصود از فتوای شاذ، فتوایی است که در میان فقهای امامیه طرف‌داران بسیار کمی دارد و به‌گونه‌ای غریب به شمار می‌آید. همان‌طور که در نصوص دینی و متون کتاب‌های فقهی ما آمده، از فتاوی شاذ نهی و امر به ترک آن شده است (ارسطا، ۱۳۹۸، ص. ۷۴). آنچه در این مقام باید بررسی شود، این است که آیا فتوای اسهل نیز چنین ضابطه‌ای در خود دارد یا خیر؟ در پاسخ باید گفت تضمینی برای وجود این ضابطه درباره فتوای اسهل نیست و چه‌بسا در تعدادی موارد موجب دامن زدن به فتوای شاذ شود؛ زیرا در برخی از موارد، انتخاب آسان‌ترین فتوا عملاً مساوی است با انتخاب فتوای شاذ. بنابراین، تحقق کامل این ضابطه در فتوای اسهل منتفی است و همچنان نمی‌توانیم ترجیحی برای معیار فتوای اسهل نسبت به دیگر نظریات فتوای معیار قائل شویم.

۴-۴. نقش فتوای معیار در حل مشکلات جامعه

یکی دیگر از ضوابطی که برای فتوای معیار گفته می‌شود، این است که فتوای معیار باید

در تأمین مصالح و دفع مفسد و در نتیجه، حل مشکلات فردی و اجتماعی قدرتمندتر از دیگر فتاوی باشد. این فتوا باید در چهارچوب موازین فقهی اعم از موازین اصولی، رجالی و کلامی توان پاسخ به مشکلات جامعه را داشته باشد. بی‌شک سهولت از جمله شاخص‌هایی است که به اجرای بهتر و تأمین مصالح و دفع مفسد کمک زیادی می‌کند، اما به‌هیچ‌وجه نمی‌توان اظهار داشت که معیاری کافی برای تأمین مصالح و دفع مفسد است. همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، شمولیت سهولت در قوانین بی‌حدومرز نیست و بسیاری از اوقات، قانون برای اینکه تضمین‌کننده تأمین مصلحت عمومی یا دفع مفسده باشد، باید ویژگی‌هایی مانند شدت و قطعیت داشته باشد. به‌طور کلی، قانون باید کارآمد باشد و با توجه به موقعیت‌ها و ظرفیت‌های گوناگون، بهترین راه‌حل ممکن را ارائه دهد. ما معتقدیم که سهولت به‌عنوان یک ضابطه در پاسخ به نیازهای جامعه مؤثر است، اما از جانب دیگر هم معتقدیم که آسان‌ترین فتوا و به‌اصطلاح «فتاوی اسهل» به‌عنوان فتاوی معیار در قانون‌گذاری به‌تنهایی قابلیت تأمین ویژگی‌های مورد نظر و حل تمام مشکلات جامعه را ندارد. با تبیین ضوابط مزبور، برداشت می‌شود که این نظریه نمی‌تواند انتظارات مطرح از فتاوی معیار را برآورده سازد و در خاتمه باید بیان داشت که فتاوی اسهل را نمی‌توان فتوایی قدرتمند در مقایسه با دیگر نظریات فتاوی معیار به‌شمار آورد.

۵. سهولت به‌مثابه یک مهم

همان‌طور که در مباحث گذشته به‌طور مفصل آمد، سهولت در اسلام حقیقتی انکارناپذیر است که نمود آن به‌وفور در کلام فقها در جریان استنباط احکام مشاهده می‌شود (شهید ثانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص. ۷۵۰؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۷ق، ص. ۴۶). نقل است که مرحوم صاحب جواهر در روزی که شیخ انصاری را به‌عنوان مرجع بعد از خود اعلام کردند، در توصیه به ایشان فرمودند «قلل من احتیاطاتک یا شیخ فان الشریعة سمحة سهلة» (انصاری، ۱۴۱۰ق، ص. ۱۱۸).

در اینجا خالی از لطف نیست که اشاره شود این قاعده به‌صورت ویژه مورد توجه فقیه بزرگوار، محقق اردبیلی قرار گرفته است. افزون‌بر اینکه ایشان از جمله فقهای معتقد به فقه سنتی بوده‌اند، منهج و طریقه استنباط ایشان بر اساس سهولت در دین اسلام در

فقه امامیه به‌عنوان ویژگی بارز و برجسته‌ای در کتاب‌های فقهی و آثار ایشان شناخته می‌شود. محقق اردبیلی با در نظر گرفتن و لحاظ این اصل، سعی داشت که در جای‌جای استدلال‌های فقهی خود با استناد به سهولت در اسلام، احکامی ساده وضع کند که البته این به معنی سهل‌انگاری نیست. شرح و تفصیل چگونگی بهره‌گیری از سهولت در صدور احکام و تشریح مسائل و ابواب آن، مجالی تفصیلی می‌طلبد که در این بخش به بیان عناوین برخی از آنها اکتفا می‌شود. برای مثال، ابواب و مسائلی مانند حکم غسل جنابت در ماه رمضان، غسل جمعه، ماهیت قصد و نیت، طهارت با آب استنجا، طهارت با آب قلیل، مسح، احکام مربوط به قبله، حجاب بانوان در نماز، حجر انسان سفیه با حکم حاکم و بسیاری از مسائل دیگر از جمله محل‌هایی است که این فقیه بزرگوار با استناد به شریعت سهله و سمحه احکامی را صادر کرده‌اند.

برخی صاحب‌نظران در توصیف این عالم بزرگوار آورده‌اند «مرحوم اردبیلی به این نکته متوجه بوده‌اند که احکامی را که برای تسهیل تشریح شده‌اند، نباید چندان در پیچ‌وخم تضییق افکند که فلسفه تشریح را محو یا کم‌رنگ کند. احکامی مانند حواله تطهیر به غیر آب (تیمم) و ده‌ها حکم دیگر برای تسهیل زندگی مردم مقرر شده‌اند و فقیهان با توجه به مبنا و فلسفه مسلم تشریح باید تلاش در گره‌گشایی داشته باشند و نه سخت‌گیری و مشکل‌آفرینی» (مبانی فقهی محقق اردبیلی، ۱۳۷۱، ص. ۸۴).

درست است که نظریه فتوای اسهل به‌عنوان نظریه‌ای مستقل نمی‌تواند در جایگاه فتوای معیار انتظارات را برآورده سازد، اما می‌تواند نشان‌دهنده منظری از اهمیت سهولت در فقه و قوانین اسلامی باشد که ثمرهای مثبتی در عرصه قانون‌گذاری در پی دارد. درحقیقت، سهولت با این درجه از اهمیت به‌مثابه ضابطه‌ای در کنار دیگر ضوابط مورد نیاز در شناسایی فتوای معیار و تدوین قوانین مفید فایده است. سهولت هم می‌تواند ضابطه‌ای برای شناسایی فتوای معیار مطلوب به شمار آید. همان‌طور که در ابتدای نوشتار هم اشاره شد، «فتوای کارآمد» یک مورد از نظریات مطرح‌شده برای فتوای معیار قانون‌گذاری است. با مطالعه این نظریه مشخص می‌شود که افزون بر داشتن شاخص‌های فتوای معیار قانون‌گذاری، ضابطه سهولت نیز در آن لحاظ شده است. از این رو با توجه به اینکه سهولت را نیز از جمله ضوابط فتوای معیار به شمار آوردیم، می‌توان آن را از جمله گزینه‌های جدی و مطلوب برای فتوای معیار

قانون‌گذاری به شمار آورد.

لحاظ سهولت از جمله مبانی ریشه‌ای و مهم در شریعت اسلام است که مجموعه‌ای از آیات قرآن کریم، روایات منقول از ائمه اطهار و مؤیداتی مانند قواعد فقهی مستنبط از سهولت که در قسمت‌های گذشته مقاله به تفصیل به آن‌ها اشاره شد، همگی گواه این حقیقت است.

سهولت به‌عنوان روحی در بطن شریعت، با ظرفیتی قابل‌اهتمام، در استنباط احکام نقش کلیدی و کاربردی دارد که نباید از آن غافل بود.

بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی مسائلی که تا به اینجا آمد، نتایج بحث موارد زیر است.

- طبق قانون اساسی قوانین باید مطابق با موازین شریعت باشد که فقهای شورای نگهبان عهده‌دار این تطبیق هستند. اختلاف فتاوی مجتهدان از سویی و نیازمندی به معیار صالح و مناسب تقنین از سوی دیگر، موجب پدید آمدن نظریاتی در باب فتوای معیار قانون‌گذاری می‌شود. یکی از این نظریات، فتوای اسهل است که از جمله مبانی آن می‌توان به قاعده تیسیر و شریعت سهله و سمحه اشاره کرد.
- نمونه مشابه فتوای اسهل را باید در فقه اهل سنت در باب تلفیق و تتبع رخص جست‌وجو کرد. این دو از جمله مسائل متأخر و بسیار اختلافی در فقه اهل سنت است که حتی عده‌ای از علمای عامه نیز ادعای اجماع بر بطلان تلفیق و به طریق اولی تتبع رخص داشته‌اند.
- آیات، روایات و مؤیدات بر این دلالت دارند که شریعت اسلام سهله و سمحه است که سهولت مانند روحی در احکامش است و هم در مقام تشریح و هم در عرصه عمل لحاظ شده است. این قاعده به‌عنوان مرجحی در تعارض ادله شناخته می‌شود.
- نبود مبنای فقهی مناسب از جمله نقدهایی است که به این نظریه وارد می‌آید. در این باره باید اذعان داشت که در فقه امامیه، مبنا و اساسی لازم و کافی که کارکردی مانند تلفیق داشته باشد که بتواند شالوده‌ای برای ساخت نظریه فتوای اسهل به‌عنوان فتوای معیار قانون‌گذاری باشد، وجود ندارد.

- جامعیت در پاسخ به نیازهای جامعه از جمله ضابطه‌های فتوای معیار است. با توجه به اینکه سهولت در فقه امامیه دارای حدودمرز است و نمی‌توان تنها ضابطه آسان بودن را برای پاسخ به نیازها کافی قلمداد کرد، فتوای اسهل نمی‌تواند الگوی جامعی در پاسخ به نیازها باشد.
 - از دیگر ضوابط فتوای معیار در قانون‌گذاری، شاذ نبودن آن است. باید گفت تضمینی برای تأمین این ضابطه درباره فتوای اسهل وجود ندارد و چه‌بسا در بسیاری موارد موجب دامن زدن به فتوای شاذ شود.
 - فتوای اسهل در حل مشکلات، کسب مصالح و دفع مفاسد که از جمله ضوابط فتوای معیار به شمار می‌آید، تا حدی مؤثر است، اما نمی‌توان گفت این نظریه در قانون‌گذاری به‌تنهایی قابلیت تأمین ویژگی‌های مورد نظر و حل و فصل تمام مشکلات جامعه را دارد.
- درنهایت، اینکه سهولت اصلی اساسی، زنده و کاربردی در قانون‌گذاری به شمار می‌آید، موضوعی انکارناپذیر است که با ایفای نقش خود می‌تواند به حل بسیاری از مشکلات جامعه اسلامی کمک شایانی کند، اما ما معتقدیم که نظریه فتوای اسهل که مبتنی بر اصل سهولت است، به‌طور مستقل شرایط لازم برای قرارگیری در جایگاه فتوای معیار را ندارد. به‌عبارت‌دیگر، به اصل سهولت باید به‌عنوان مرجحی در انتخاب فتوای معیار قانون‌گذاری نگاه شود نه اینکه به‌طور مستقل و به‌تنهایی معیار قانون‌گذاری تلقی شود.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن ابی‌جمهور، محمدبن‌زین‌الدین (بی‌تا). *عوالی‌الثالی‌العزیزیه فی‌الاحادیث‌الدینیّه* (مجتبی عراقی و شهاب‌الدین مرعشی، تصحیح و تنظیم). مؤسسه سیدالشهدا (علیه‌السلام).
ابن اثیر، مبارک‌بن‌محمد (۱۳۶۷). *النهایه فی غریب‌الحدیث والاثر*. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن بابویه، محمدبن‌علی (۱۳۶۲). *الخصال*. قم: جامعه مدرسین.

ابن حجر الهیتمی، حمد بن محمد بن علی (بی تا). تحفة المحتاج فی شرح المنهاج. المكتبة التجارية الكبرى بمصر لصاحبها مصطفى محمد.

ابن عابدین، محمد امین بن عمر بن عبدالعزیز عابدین الدمشقی الحنفی. (۱۹۶۶م). رد المحتار علی الدر المختار. شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده بمصر.

ابن ملا فروخ، محمد عبدالعظیم (۱۹۸۸م). القول السدید فی بعض مسائل الاجتهاد والتقلید. الكويت: دار الدعوة.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.

ابن همام الحنفی، محمد بن عبدالواحد السیواسی (۱۹۷۰م). فتح القدر علی الهدایة. شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده بمصر.

اداره كل امور فرهنگي روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران.

ارسطا، محمد جواد (۱۳۹۵). احتمالات هشت گانه فتوای معیار در قانون گذاری. بازیابی از <https://b2n.ir/x77029>.

ارسطا، محمد جواد (۱۳۹۸). فتوای معیار در قانون گذاری. فقه حکومتی، ۷(۴)، ۸۲-۵۵. بازیابی از <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1722325>.

اسداللهی، طاهره (۱۳۸۲). تعیین حد و مرز قاعده تساهل و تسامح در فقه اسلامی (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

اسماعیل صینی، محمود (۱۴۱۴ق). المکنز العربی المعاصر. بیروت: مكتبة لبنان.

انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۰ق). المكاسب (سید محمد کلانتر، تحقیق و تعلیق). قم: دارالکتاب.

بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی. تهران: اسلامی.

بنیاد دائرة المعارف اسلامی (۱۳۶۶).

بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل (۱۴۱۹ق). الحاشیة علی مدارک الاحکام. قم: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.

جلالی زاده، جلال (۱۳۸۷). مبادی و اصطلاحات اصول فقه. تهران: احسان.

جهاندوست دالنجان، مسعود (۱۳۹۴). امکان سنجی فقهی قانون گذاری بر مبنای فتوای مشهور.

پژوهش نامه میان رشته ای فقهی، ۷(۴)، ۲۶-۵. بازیابی از

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1391631>

جهانگیری، محسن؛ و بنایی خیرآبادی، محمدعلی (۱۴۰۰). فتوای معیار در قانون‌گذاری؛ انطباق با مصالح الزامی. *آموزه‌های فقه مدنی*، ۲۳(۱۲)، ۹۱-۱۱۸. بازیابی از

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1768908>

حاج‌زاده، هادی (۱۳۹۴). فتوای معیار در قانون‌گذاری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران (نگاهی دوباره به مفهوم اعلمیت در منظومه فقه حکومتی شیعه). *فقه و اصول*، ۱۰۲(۴۷)،

۵۹-۸۸. بازیابی از <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1094545>

حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل‌الشیعه*. قم.

حفاوی، محمد (۱۴۱۵ق). *تبصیرالنجباء بحقیقه‌الاجتهاد والتقلید والتلفیق والافتاء*. دارالحدیث.

حموی، یاقوت‌بن عبدالله (۱۹۹۵م). *معجم‌البلدان*. بیروت: دار صادر.

خویی، ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *مصباح‌الاصول*. قم: مؤسسه احیاء آثار السیدالخویی.

دسوقی المالکی، محمدبن احمدبن عرفه (بی‌تا). *حاشیه‌الدسوقی علی‌الشرح‌الکبیر*. دارالفکر.

راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۳۷۴). *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*. تهران: مرتضوی.

رحیبانی، مصطفی‌بن سعدبن عبده السیوطی (۱۹۹۴م). *اولی‌النهی فی شرح غایة‌المنتهی*. المکتب‌الاسلامی.

زحیلی، وهبه (۱۴۱۸ق). *الفقه‌الاسلامی و ادلته*. سوریه: دارالفکر سوریه.

زرکشی، محمدبن بهادر (۱۴۱۳ق). *البحر‌المحیط فی اصول‌الفقه*. کویت: دارالصفوه.

زواری، محمد (۱۴۱۹ق). *ارشاد‌لاذهان الی تفسیرالقرآن*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

سبکی، عبدالوهاب‌بن علی (۱۴۲۴ق). *جمع‌الجوامع*. بیروت: دارالکتب‌العلمیه.

سلیمی‌پور، عبدالوهاب؛ ضیایی، محمدعادل؛ و مریوانی، ناصر (۱۳۹۹). حکم فقهی تلفیق فتوا در مذاهب اربعه اهل سنت. *فقه و اصول*، ۱۲۲(۵۲)، ۵۱-۷۲. بازیابی از

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1724806>

سماواتی، عباس؛ و موسوی بجنوردی، سیدمصطفی (۱۳۹۹). چالش‌های تعیین فتوای معیار در قانون‌گذاری با توجه به آرای امام‌خمینی (س). *پژوهش‌نامه متین*، ۱۱(۲۲)، ۳۹-۶۱. بازیابی از

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1745855>

شاطبی، ابراهیم‌بن موسی (۱۹۹۷م). *الموافقات*. دار ابن عفان.

شریف الرضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج‌البلاغه (للصیحی صالح)*. قم.

شهرزوری، ابن صلاح (۱۴۰۷ق). *ادب‌المفتی والمستفتی*. لبنان: چاپ موفق‌بن عبدالله‌بن عبدالقادر.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۷۹). رسائل‌الشهید‌الثانی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵). مشکاة‌الانوار فی غرر‌الآخبار. نجف.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر‌القرآن. تهران: ناصر خسرو.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). تفسیر جوامع‌الجامع. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع‌البحرین. تهران: مرتضوی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب‌الاحکام (حسن خراسان، تحقیق). تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.

طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹). اطیب‌البیان فی تفسیر‌القرآن. تهران: اسلام.

علم‌الهدی، علی بن حسین (۱۴۱۷ق). رابطه‌الثقافة والعلاقات‌الاسلامیه.

علی‌اکبریان، حسن علی (۱۳۹۲). فتوای معیار در قانون‌گذاری. دین و قانون، ۲(۱)، ۹۷-۱۱۶. بازیابی از <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1070173>

عندلیبی، رضا (۱۳۹۶). قاعده «تسهیل» و نقش آن در استنباط احکام حج. پژوهش‌نامه حج و زیارت، ۳(۲)، ۱۳۰-۱۰۷. بازیابی از <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1342930>

فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح‌المنیر فی غریب‌الشرح‌الکبیر للرافعی. قم: مؤسسه دارالهجرة.

فیض‌کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵ق) تفسیر‌الصافی. تهران: مکتبه‌الصدر.

قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.

کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (۱۴۲۳ق). زیادة‌التفاسیر. قم: مؤسسه المعارف‌الاسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.

گل‌افشانی، نرگس (۱۳۹۴). سمحه و سهله بودن شریعت و نقش آن در استنباط احکام فقهی و حقوقی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده اصول‌الدین، دانشگاه اصول‌الدین مرکز قم.

مبانی فقهی محقق اردبیلی (۱) اصل سهولت. (۱۳۷۱). حوزه، ۵۳(۹)، ۸۵-۶۰. بازیابی از <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1682016>

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق). مرآة‌العقول فی شرح اخبار آل‌الرسول. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.

- مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰ق). *اصول الفقه*. قم: طبع انتشارات اسلامی.
- معلوف، لويس (۲۰۰۰م). *المنجد في اللغة العربية المعاصرة*. بيروت: دارالمشرق.
- مغنيه، محمدجواد (۱۴۲۴ق). *التفسير الكاشف*. قم: دارالكتاب الاسلامی.
- مكارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسير نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۷۹). *فرهنگ اصطلاحات اصول*. قم: عالمه.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۳۷۵). *غنائم الايام في مسائل الحلال والحرام*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی مرکز النشر.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۵). *عوائد الايام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.